مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان

دکتر حیدرلطفی[1]

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاداسلامی واحد گرمسار

فرداد عدالتخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مینو میرزایی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

شب‌بو وزیرپور

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

قوانین و مقررات شهری را می‌توان به عنوان یکی از مهم ترین نقاط اتصال بین مدیریت شهری و شهروندان قلمداد نمود.به تعبیر بهتر بازیگران عناصر اصلی مدیریت شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعریف نقش برای خود و سایر اعضا می توانند شهروندان را در اداره امور مشارکت دهند و مفهوم شهروندی را محقق سازند.

به طور کلی ، بحث در خصوص حقوق شهروندی ، خود یک بحث مستقل و جامع است . ضوابط و مقررات شهر یا به تعبیر دیگر حقوق شهری در صورت انطباق با اصل بهره مندی که در عبارت حقوق شهروندی خلاصه می گردد، بسیار کارآمد ارزیابی می شوند .نتایج بررسی مجموعه مقررات شهری و طرح های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از تاریخ تاسیس تاکنون ،حاکی است که متاسفانه چنین رویکردی در مجموعه ضوابط و مقررات عمومی شهری کمتر دیده شده است .یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر،ایالت یا کشور است .این دیدگاه ،حقوق و مسئولیت هایی را به شهروند یاد آور می شود که در قانون پیش بینی و تدوین شده است . از نظر حقوقی جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری ، اموال ، مالکیت ،شهرسازی،سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد.از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی ،روابط مردم شهر ،حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آن است .در واقع حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیتهای شهروندان در قبال یکدیگر،شهرو دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)،دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد.به مجموعه این حقوق و مسئولیت ها ،"حقوق شهروندی"اطلاق میشود.

در مقاله کامل به مباحث شهر ،شهروندی و مفاهیم آنها ،حقوق شهری و شهروندی ،وضعیت آن در قوانین موجود و در نهایت نتیجه گیری پرداخته خواهد شد.

واژگان‌کلیدی: مدیریت شهری-قوانین و مقررات – حقوق شهروندی- شهر

۱-دکتر حیدر لطفی ۰۹۱۲۱۰۰٤۷٦۹ heydare.lotfi@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

روند روبه رشد شهرنشینی در ایران و هم‌نشینی فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف با یکدیگر و تبدیل روابط روستایی به روابط شهری ضرورت بازتعریف تعاملات کنشگران با یکدیگر و با نهادهای شهری را در جامعه شهری متناسب با معیارهای قانونی روزآمد و با ضمانت اجرایی قوی مشخص می‌دارد. در عین‌حال نقش این مجموعه قوانین در حصول به توسعه پایدار، تبدیل انسان شهرنشین به شهروند، ظهور جامعه مدنی و انسان مدرن، مصون‌سازی شهر از مخاطرات، بالا بردن کیفیت محیط شهری از یک سو و از سوی دیگر محدودیت‌های قوانین موجود در پاسخ‌گویی به نیازهای شهری، وجود اصل اصطکاک منابع، پیشی گرفتن شهرنشینی بر شهرسازی(سرور، ۱۳۸٤)، غفلت محافل علمی و دانشگاهی از توجه به این رشته نوپا، ناآشنایی اکثر مدیران شهری، جامعه حقوقی و شهرنشینان کشور با این قوانین و مقررات شهری و... از اهمیت بازشناسی و بازتعریف این حقوق و مجموعه قوانین حکایت دارند.

مفهوم شهر

گرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران شهری از خیر تعریف شهر گذشته و یافتن تعریفی واحد برای شهر به نحوی که نیازهای پژوهشی تجربی متنوع و متعدد را برآورد و برای همه انواع شهر در زمانها و جوامع گوناگون مناسب تلقی گردد غیر ممکن دانسته‌اند (ایزدی خرامه،۱۳۸۳)، اما در این قسمت میتوان به پاره‌ای از تعاریفی که همگی حکایت از «اهمیت شهر» دارند ، اشاره نمود. این تعاریف عبارتند از :

۱) شهر مقوله ای است فلسفی- علمی. مقوله‌ای است فلسفی چون ابعاد ذهنی – هویتی شهر در فراسوی معیارهای مرسوم(چه فرهنگ‌گرا چه عملکرد گرا یا نوگرا) قرار گرفته و در محدوده ارزشهای پویای فرهنگی–هنری مقام می‌گیرد. از این رو لازم است که برخوردی فلسفی با شهر صورت گیرد . شهر مقوله‌ای است علمی چون ابعاد عینی و کالبدی آن در همهٔ زمینه‌های اجتماعی – اقتصادی، کالبدی – فضائی و... با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش است. از سوی دیگر شهر پدیده‌ای است مکانی – زمانی که در نقطه‌ای خاص ایجاد شده در فضا تکامل یافته و با گذشت زمان رشد یافته است(حبیبی،۱۳۸۳: ۲۱۱) .

۲) ویکتور هوگو در باره شهرها،عقیده دارد که شهرها کتابهای سنگی هستند که مفاهیم تاریخی و فرهنگی خود را به خوانندگان که همگان افراد ساکن در آنها هستند، انتقال می‌دهند و به صورتی نمادین، بیانگر تاریخ و عادات اجتماعی ساکنان خود هستند. مجسمه‌ها و ساختمانهای موجود در شهر و نقاشی‌ها و بیماریهای متعلق به بناها، ورقهای این کتاب و کالبد و سیمای شهر به صورتی استعاری، کتابی با مضامین تاریخی- فرهنگی درباره انسان است (شادمان، ۱۳۸۳: ۱۷).

۳) شهر در رویکرد جغرافیایی، حاصل رابطه‌ای است که انسان با طبیعت به وجود می‌آورد به گونه‌ای که شهر را می‌توان محیطی انسان ساخت تعریف کرد. انسان برای ارضای نیازهای خود در بستری از دگرگونی‌های معنائی (نمادین)اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فضا را نیز دگرگون می‌کند. این دگرگونی از خلال یک فرایند تخریب–ساختن انجام می‌گیرد؛ بدین معنی که برای ساختن فضاهای جدید همواره نیاز اولیه‌ای به تخریب فضاهای پیشین وجود دارد.این امر چرخه‌ای بی‌پایان از تخریبها و ساختنها را به وجود می‌آورد که شاید بتواند گفت هرگز متوقف نمی‌شود چه بسیار در طول تاریخ مشاهده شده است‌که حتی با نابودی کامل یک شهر، تاریخ آن شهر بازنایستاده و در دوره‌ای

www.SID.ir

آتی، بار دیگر شهر در مرزهای قدیمی و یا نزدیک به آنها و با تجدید گذشته تاریخی آن بازسازی شده است (فکوهی،۱۳۸۳: ۳۲).

٤) در رویکرد جامعه‌شناختی شهر به مثابه یک واقعیت اجتماعی تعریف می‌شود. در اینجا شهر در نهایت حاصلی است از مجموعه روابط میان بازیگران اجتماعی و بنابراین، این باور وجود دارد که شکل گیری فضاها و روابط شهری از این روابط تبعیت می‌کنند (همان: ٣٤).

۵) از نظر اجتماعی،شهرها مکانهای مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزشهای فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روشهای انسانی و هویتهای ملی و محلی هستند (فرجامی،۱۳۸۳: ۵۳۳).

٦) شهر فضای کالبدی حیات اجتماعی جوامع است جایی که در آن روابط انسانی و اجتماعی شکل گرفته، بارور و شکوفا می‌شود (رضازاده،١٣٨٤).

۷) شهرها تبلوری از نابرابری در روابط قدرتمند که با ظهور حکومت یعنی روابط فرماندهی / فرمانبری همخوانی دارند (صرافی،١٣٨٤: ١٣٧).

اهمیت شهر

شهرها کاملترین اشکال ممکن آبادی انسانی‌اند. آنها هم چون مشعلی فروزان انوار خود را فرا راه انسانیت و تمدن پاشیده‌اند. آنها هم چون موج شکن بر پهنه گیتی ایستاده، امواج تعدی را در هم شکسته و بدین ترتیب به حیطه امنیت بدل گردیده‌اند.آنها آدمی را در وصول به نقطه اعلای فرهنگ یاری رسانیده‌اند.آنها در پناه دیوارهای خود محیطی مناسب را برای پرورش اصلی‌ترین دستاوردهای علمی و هنری فراهم آورده‌اند . آنها میدان آوری بوده‌اند که به پیروزی آزادی انجامیده است (امیریار احمدی،۱۳۷۸: ١٤). اما هر گاه یکی از ابعاد چهارگانه مفهومی شهر (ذهنیت، عینیت،مکان و زمان) نادیده انگاشته شده و به آنها کم بها داده شود – که اغلب نیز چنین بوده است–شهر«زنده–فضا» به شهر زنده در فضا تبدیل می‌شود(آن هم تنها به دلیل حضور انسانهایی که در آن ساکن هستند) و این آغاز فرایند فروریزی بنیانهای زندگی شهری و شروع از هم پاشیده شدن شالوده های شهر است. شهری که دیگر نمی‌تواند چون یک مقوله فلسفی مورد بررسی قرار گیرد، فلسفه وجودی خویش را از دست داده است. شهری که دیگر نمی‌تواند با موازین علمی سنجش پذیر باشد، عینیت واقعی بودن خود را از کف می‌دهد. شهری که نه در زمان بلکه در مکان می‌زید، دارای فضاهای زنده شهری نخواهد بود و اگر جنب و جوشی در آن به چشم می‌خورد نه به سبب کنش و واکنشهای فضایی است که ایجاد می‌کند، بلکه به بخاطر حضور انسانهایی است که علی رغم کارا نبودن فضای شهری مجبور به زیست در آن هستند (حبیبی،۱۳۸۳: ۲۱۲).

حقوق عبارت است از مجموعه‌مقررات و اصولی‌که در زمان معینی بر جامعه‌ای حکومت نموده و روابط بین افراد آن جامعه را تنظیم می‌نماید مانند حقوق اسلام،حقوق مدنی ایران، حقوق جزاء و امثال آن. از دیدگاه اسلام منشاء حق و حقوق خداوند متعادل است و قانونی که مطابق احکام اسلام وضع نگردد موجد حق نیست. از این منظر حقوق را می‌توان این‌چنین تعریف کرد:(حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی

www.SID.ir

خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تـامین سازد)(کامیار،۱۳۸۷ :۲۰-۲۱).

شهروندی

شهروندی(Citizenship) همانطور که روشن است از مشتقات شهر (City) اسـت . شـهروندی را قالـب پیشـرفته «شهرنشینی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکـدیگر احتـرام گـذارده و بـه مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند. شهروندی تـا پـیش از ایـن در حوزه اجتماعی شهری بررسـی مـی‌شـد امـا پـس از آن شـهروندی مفـاهیم خـود را بـه ایالـت و کشـور گسـترش داده‌است.(ویکیپدیا، خرداد ۱۳۸۸).

شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظـایف و تعهـدات اسـت و بـر برابـری عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی عضویت فعال یا غیرفعال فرد در دولت با حقوق جهانی معین و برابری در تعهدات در سطح مشخص شده است. شهروندی جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حق شامل حقوق مدنی_حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است.شهروندی منزلتی را نشان می‌دهد که‌با قانون اعطامی‌شود. در عین‌حال، این مفهوم نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاه‌شان در اجتماع یـا واحـد سیاسـی دارای حقـوقی هستند. بر اساس این رویکرد، چون افراد در زندگی مشترکی سهیم می‌شوند، پس دارای حقوق و وظایفی نیز هستند. از این‌رو به سبب همان زندگی مشترک، خواه در فعالیت اقتصادی یا امور فرهنگی و تعهد سیاسی، همگان از لحـاظ اخلاقی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. شهروندی در واقع شرایط عضویت در واحدی سیاسی(معمولا دولت ملـی) است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می‌کند که وظایف معینی را انجام می‌دهنـد. شـهروندی بـیش از آن‌که نظریه باشد، مفهومی است که به شرایط مشارکت کامل در یک جامعـه رسـمیت مـی‌دهـد. مفهـوم شـهروندی معرف نقطه اتصالی میان جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اسـت. بـا نگـاهی بـه ادبیـات گسـترده نظریـه‌هـای شهروندی می‌توان دریافت که این تعاریف هسته‌های مشترکی دارند: نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌هـا و تعهـدات اجتمـاعی، سیاسـی، حقوقی، استعاری و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جـدی و فعالانه در جامعه و حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری عادلانه و منصـفانه تمـامی اعضـای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی(صرافی، ۱۳۸۷: ۱۱۸ـ۱۲۰).

در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسـی و مـدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد. ایـن رابطـه را شـهروندی گوینـد. چگـونگی رابطـه شهروندی را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. شهروندی در عین حال منزلتـی اسـت بـرای فـرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است و اساسا کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌بردار دولت نباشـد، بلکـه از

Archive of SID

www.SID.ir

حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند. اگر چه ملیت را اغلب به معنای شهروندی به کار می‌برند ولی ملیت معنایی وسیعتر از شهروندی دارد(کامیار،۱۳۸۷ :۳۸).

مدیریت شهری

روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد .

مدیریت شهری به تمامی نهاد ها، سازمان ها و افرادی گفته می شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند. پس مدیریت شهری فقط شهرداری و شورای شهر نمی باشد و هر عنصری که به شکلی در فرایند مدیریتی شهر اثری دارد در این حیطه قرار دارد .

- اهداف مدیریت شهری

۱- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه های کم درآمد

۲- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار

۳- حفاظت از محیط کالبدی شهر

- وظایف مدیریت شهری

۱- آماده سازی زیرساخت های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها

۲- آماده سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی ,بهبود بهره وری و بهبود استاندارد های زندگی شهری

۳- تنظیم فعالیت های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت ,سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری

٤- آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت های مولد و عملیات کارآمد موسسه های خصوصی در نواحی شهری

برنامه ریزی استراتژیک

وظایف کنونی مدیریت شهری(صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظامهای اجتماعی و سیاسی گوناگون) تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی‌و..نمی‌شود. بلکه جهت دهی فعالیتهای شهری و ترسیم چشم انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه پایدار از جمله مهمترین وظایف مدیران شهری به شمار می‌رود. یک مدیر شهری باید بتواند در دنیای رقابتی نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و درصدد تقویت مزایای رقابتی آن برآید.

بسیاری،معتقدند که جامعه آینده ، جامعه ای شهر نشین خواهد بود . بنابراین ، شهرها به جای این که مکان هایی بی ثمر برای سرمایه‌گذاری اقتصادی یا تراکم کارگران بیکار با انبوه مشکلات اقتصادی،اجتماعی و محیط زیستی باشند ؛ باید که به مراکز رشد و پویایی اقتصادی و اجتماعی ، در چارچوب ملی ، بدل شوند . این مراکز ، باید که آفرینشگر فرصتهایی ارزنده برای رفاه و توسعه نه تنها جمعیت ساکن در آن ، بلکه جمعیت تمامی کشور باشد .

امروزه،شهرها از دو جنبه اهمیت یافته‌اند: یکی بعنوان مرکز تجمع گروه عظیمی از مردم،دیگری بعنوان عمده‌ترین بازیگر نقش اقتصادی،در کل اقتصاد ملی . از اینرو ، باید به مسائل و مشکلات آنها ، توجه بیشتر و دقیق تر کرد . زیرا، در حالتی که برنامه ریزی دقیق و درست،سبب رشد اقتصادی،تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان

Archive of SID

www.SID.ir

درامور شهرها می‌گردد ، شکست در حل مشکلات و مسائل شهری ، سبب رکود اقتصادی ، نارضایتی های اجتماعی و سیاسی ، فقر ، بیکاری و تخریب محیط زیست خواهد شد .

شهرهای بزرگ را می‌توان، یک سازمان بزرگ دانست. در این سازمان، مجموعه‌ای از نهادها و شیوه‌ها ، در تعامل برای دستیابی به اهداف هستند. امروزه، مشارکت و تعامل، مفاهیمی محوری در مدیریت شهری اند. مدیریت شهری می کوشد تا بین نهادهای عمومی، خصوصی و مدنی، رقابت و توازن ایجاد کند. همچنین، می کوشد تا بین سه وجه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تعادل و هماهنگی فراهم نماید تا زمینه‌های پیدایی شهر یکپارچه را فراهم کند .

حقوق شهری

به نظر می رسد، نخستین پاسخی که از یک حقوقدان در مورد تعریف حقوق شهری(Urban Law) می‌شنویم، چنین مضمونی را در بر گیرد: حقوق شهری، شاخه‌ای از حقوق عمومی و تنظیم‌کننده روابط شهروندان و مدیران شهری است. در تعریفی خاص تر، شاید اصطلاح مزبور را به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق کنند که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر ادارات شهری را تبیین می کند. اما پس از اندکی تأمل چنین می نماید که اصطلاح حقوق شهری بیشتر ناظر به حقوق در معنای اعم خود یعنی Rights است و این اصطلاح را باید تحت عناوینی چون Urban Rights یا Right to the City مورد شناسایی، بررسی و مطالعه قرار داد. آنگاه، بخشی از این حقوق که ناظر به ضمانت اجرایی و اتوریته آن است، زیر عنوان قوانین، مقررات و ضوابط شهری یا همان Urban Law قرار می گیرد که باز قسمتی از آن نیز در حوزه حقوق شهرداری یا Municipal Law می باشد. پس حقوق شهری از آنجا که شاخه تنومندی از حقوق عمومی است، با حقوق به معنای عام آن سر و کار دارد و حقوق به مثابه قوانین و مقررات را تنها برای ضمانت اجرایی به خدمت می گیرد(سایت کردکوی، خرداد۱۳۸۸). به سخن دیگرحقوق شهری عبارتست از مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری و منطقه ای جهت تامین نیازمندیهای مشترک محلی از طریق ایجاد اداره و موسسات عمومی(پایگاه اطلاع‌رسانی معماری و شهرسازی ایران، خرداد۱۳۸۸).

حقوق شهری که موضوع آن روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آنها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر است را می‌توان به عنوان یکی از شاخه‌های منشعب از حقوق اساس اداری و جزء زیر مجموعه حقوق داخلی محسوب نمود. رشته حقوقی جدیدی است که در دسته بندی‌های کلاسیک، رشته‌های حقوقی پیش بینی نشده است. در مقابل این تقسیم بندی کلاسیک، امروزه با توجه به کاربرد قواعد حقوقی، تقسیم بندی دیگری مطرح شده است، حقوق شهری در این دسته بندی کلاسیک قابل شناسایی است. این دسته بندی به موازات دسته بندی کلاسیک می‌باشد.

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند(کامیار،۱۳۸۷ :۲۱-۲۲).

www.SID.ir

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را به صورت زیر می‌توان تعریف نمود:

۱- بـه معنـای دقیـق کلمـه چیـزی اسـت کـه فـرد بـا داشـتن تکلیـف در قبـال دیگـری مسـتحق آن اسـت.

۲- شخص به خاطر مصونیت از قانون مستحق آن است.

۳- امتیاز

٤- قدرت با هدف ایجاد رابطه حقوقی(سایت حقوق‌دانان، خرداد۱۳۸۸).

دربیانی دیگر ویژگی‌های حقوق شهروندی را اینگوه می‌توان بیان نمود:

الف- جهانی است، زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر در هر کجاکه باشد و از هر نـژاد، زبان،جنس، یا دین که باشد، مستحق آن است و کسی مجبور به سلب این حقوق نیست. این حقوق مسلم است.

ب- غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست چراکه بدون آن نمی توان فرد را بشر نامید.

پ- تقسیم پذیر نسیت. نمی توان به خاطر تشخیص در"کم اهمیت بودن" یـا" عـدم ضـرورت"، آن را از کسـی سلب کرد.

ت- عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر است و متمم و مکمل سایر است.

ث-هدیه الهی است و هیچ مقام بشری ازجمله حکومت یا مقامات مذهبی یا سکولار این حقوق را اعطا نمی‌کنند.

ج- حقوق ذاتی و فطری انسانها است و از آنها به صفات شخصیتی انسان تعبیر مـی شـود و بـه هـیچ قـرارداد و وصفی وابسته نیست(سایت حقوق‌دانان، خرداد۱۳۸۸).

ملزومات حقوق شهروندی :

این ملزومات عبارتند از:

۱- برای تحقق حقوق شهروندی باید به عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسـی و اقتصـادی در جامعـه توجـه شود. هر کدام از این عوامل به سهم خود در تحقق حقوق شهروندی تاثیرگذار هستند. اگر بـه زمینـه هـای تـاریخی توجه نشود، یا نگرش های مذهبی حاکم در قدرت و جامعه دیده نشود، یا به ساختار سیاسـی قـدرت یعنـی فـردی بودن حکومت یا دموکراتیک بودن آن اهمیت داده نشود، نمی توان انتظار داشت صرف اشـاره یـا توجـه بـه حقـوق شهروندی در قانون اساسی، تضمین کننده این حقوق در جامعه باشد.

۲- جوامع توسعه یافته دوره یی از توسعه یافتگی را پشت سر گذاشته اند که در این دوره زمینه ها و عوامل برای توسعه یافتگی هماهنگ و هم جهت شده اند. به همان میزان که به رشد اقتصـادی توجـه شـده بـه اصـلاح سـاختار سیاسی نیز توجه شده. همین طور به کنترل جمعیت و مساله محیط زیست. همچنان که بـه افـزایش رفـاه اقتصـادی شهروندان اهمیت داده شده به حق رای، حق دادخواهی عادلانه و منصفانه، حـق برخـورداری از آزادی بیـان و حـق تشکیل انجمن ها و نهادهای غیردولتی نیز به همان اندازه توجه می شود. اما در کشورهای توسعه نیافته یـا در حـال گذار، هم جهتی زمینه های پیشرفت کم رنگ بوده یا در حال طی کردن راه های سخت و پـر فـراز و نشـیب اسـت. شاید بتوان گفت بخشی از زمینه های توسعه با فرآیند جهانی شدن در حال آماده شدن اسـت امـا بخـش دیگـری از زمینه های توسعه که مربوط به قدرت، ساخت سیاسی و نوع حکومت، حقوق شهروندی و مشـارکت شـهروندان در

www.SID.ir

امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است روند ناهمگون و کندی را طی می کند. همه این عوامل به نوبه خود بر پیشرفت و نتیجه بخش شدن توسعه تاثیر عمیق تری بر جای می گذارد.

۳- شهروند به عنوان یکی از عوامل مهم تاسیس دولت و حکومت است بنابراین به حقوق شهروندی باید از این مقوله نگریست. به اصطلاح همان گونه که شهروندان در فرمانبرداری سهیم هستند باید در حکمرانی هم سهیم باشند. در چنین فرآیندی حقوق شهروندی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است، بنابراین جامعه ما نیازمند اصلاح نگرش نسبت به مفهوم حقوق شهروندی است. این اصلاح نگرش هم از درون قدرت و از بالاست و هم از پایین و از درون جامعه و در روابط بین شهروندان عملی می شود. از جمله راه های تحقق حقوق شهروندی تقویت نهادهای مدنی است. در این صورت دولت نباید نهادهای مدنی را که در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعالیت می کنند به دیده مزاحم نگاه کند.

همان گونه که اراده عمومی جامعه و همه شهروندان در مرحله اجرا برای تحقق حقوق شهروندی مورد نیاز است، اراده مقامات و نهادهای رسمی حکومت با توجه به پیشینه تاریخی و تسل کامل دولت بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست برای احترام به حقوق شهروندی و اجرای قوانین موجود در زمینه حقوق شهروندی ضروری و مورد نیاز است. این اراده باید دربالای قدرت دیده شود تا پایبندی به رعایت حقوق شهروندی به یک رفتار مدنی و عرف و هنجار رسمی تبدیل شود و هم در سطوح پایین اجرایی و مدیریت میانی و خرد که ارتباطات گسترده تری با جامعه داشته و تعامل روزانه با شهروندان برقرار است نیز آشکارا مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود. موانع اجرایی قوانین که در زمینه حقوق شهروندی به همه بخش های زندگی اجتماعی ارتباط پیدا می کند، در صورت وجود چنین تعهدی در نهادهای حکومتی به خصوص دادگستری ها، نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی به حداقل خواهد رسید(سایت ناصور،خرداد ۱۳۸۸)

www.SID.ir

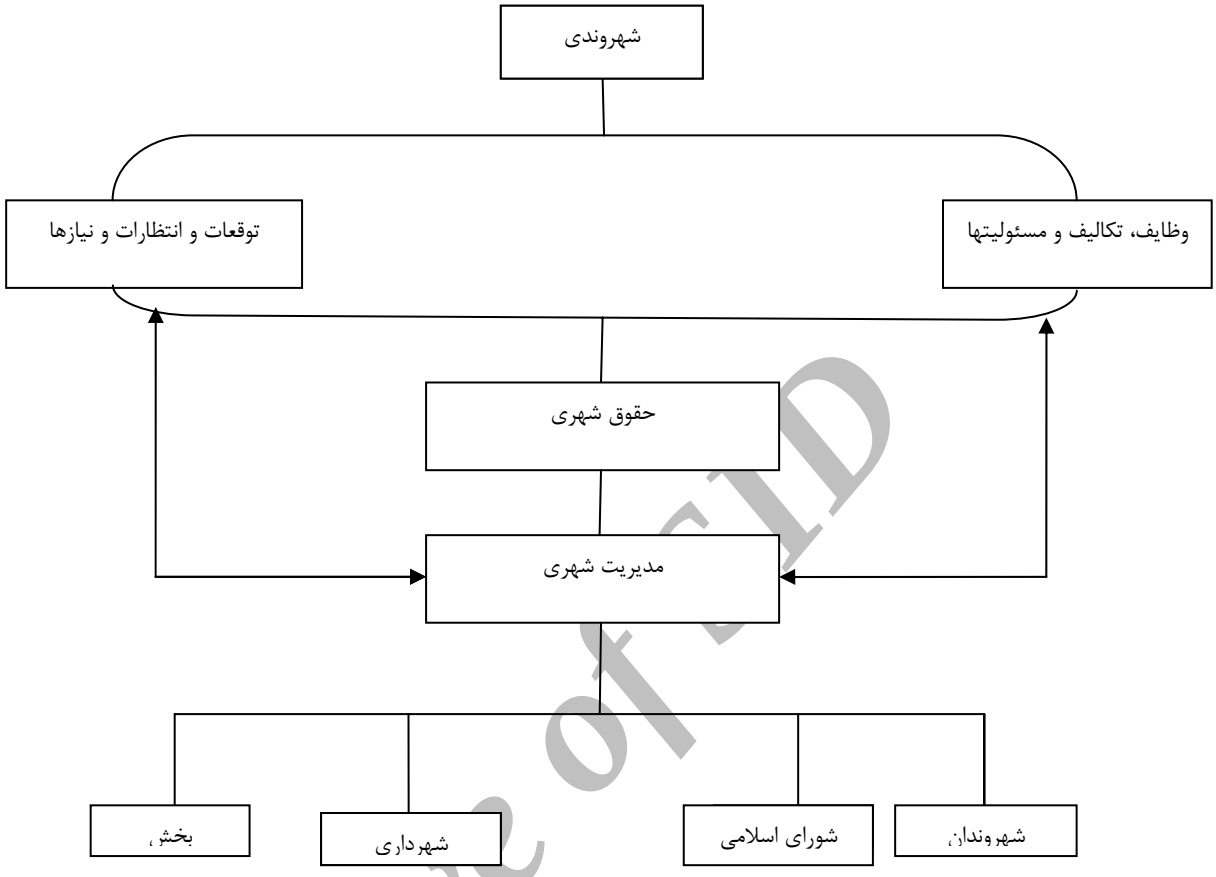

نمودار شماره ۱- ارتباط شهروندی و حقوق شهری

نتیجه‌گیری

شهر به عنوان محل ظهور اجتماع، محل ظهور مدنیت و محل ظهور شهروندی و... واقعیت مبارکی است که جامعه ایرانی با آن رودرو گردیده است. شهر امروزی را می‌توان مکانی جهت تولید "شهروند" قلمداد نمود. در این بین"حقوق شهری" برای تسهیل در این امر و تعریف، تقویت و حمایت از روابط و تعاملات کنشگران و نهادهای شهری بیش از نیم‌قرن است که پا به عرضه وجود نهاده و مبنایی برای ظهور"شهروند" و"حقوق شهروندی" قلمداد شده است. به بیانی دیگر اگر حقوق شهری را مبنایی برای تعریف روابط مردم با شهرداری، حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن‌ها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر(کامیار،۱۳۸۷) بدانیم، این حقوق را می‌توان تضمین‌کننده حقوق شهروندان در خصوص مفاهیمی هم‌چون ایمنی، رفاه، آسایش، سلامت و عدالت و زمینه ساز ظهور شهروند دانست.

به سخن دیگر در صورت تضعیف این حقوق، دیگری نیز(حقوق شهروندی) قابل حصول نبوده و لاجرم"شهروندی" و ظهور آن با مشکل جدی روبرو خواهد شد، امری که شاهد آن هستیم. "حقوق شهری" در حال حاضر به عنوان قوانین برخواسته از واقعیت‌های جامعه امروز نبوده و از جامعه خود"عقب" مانده است و خود

Archive of SID

www.SID.ir

به عنوان یک"مساله" و مانع در برابر توسعه جامعه شهری خودنمایی می‌کند. در این شرایط، نقض قوانین، بروز مشکلات عدیده اجتماعی و بروز نافرمانی‌های مدنی امری حتمی به نظر رسیده و ظهور آن‌ها دور از ذهن نخواهد بود .

بنابراین مدیریت شهری می تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروند مداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت پذیری در قبال شهروندان، کارآیی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخگویی در جهت ارتقاء حقوق شهروندان نقش آفرینی کند .

منابع

امیریار احمدی، محمود (۱۳۷۸) .**به سوی شهرسازی انسانگرا** .تهران:شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

حبیبی،سید محسن (۱۳۸۳) .**ازشارتاشهر**.تهران:انتشارات دانشگاه تهران ،چاپ پنجم

رضا زاده ،مرضیه (۱۳۸٤). **عوامل اجتماعی و تحول فرم فضای شهری**.تهران:پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری.

شادمان ،کیوان(۱۳۸۳).انتقال معنادر عرصه معماری.تهران :**روزنامه همشهری** ،شماره ۳۵۰۳

فرجامی،محمد رضا (۱۳۸۳).ابعاد هویت شهری.مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران.جلد۱(ساخت کالبد شهری) .شیراز: دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.

فکوهی،ناصر (۱۳۸۳) .**انسان شناسی شهری**.تهران: نشرنی چاپ دوم.

کامیار،غلامرضا (۱۳۷۹) .**حقوق شهری و شهرسازی** .مجمع علمی و فرهنگی مجد .چاپ سوم.

http://jawedan.com
http://www.kordkuy.org
http://www.cityofkaraj.com
http://alef.ir
http://culture.aruna.ir
http://fa.wikipedia.org
http://www.nasour.net
http://www.hoghooghdanan.com

Archive of SID

www.SID.ir